



ایمان عظیمی
خبرنگار گروه فرهنگ

خوشبختانه چندصباحی است که تعدادی از فیلم‌های مهم تاریخ سینمای ایران در فهرست نونوار شدن قرار گرفته‌اند و نسخه بی‌کیفیت آن‌ها با استفاده از تکنولوژی‌های روز ترمیم می‌شوند. این اتفاق خجسته باعث می‌شود تا مخاطبان نسل تازه در همراهی با دوستداران قدیمی سینمای ما به تماشای تجربه‌های اصیل و دست‌اول بنشینند و حس کنجکاوی‌شان را نسبت به سوزۀ ارضا کنند. البته این تنها بخش کوچک و کم‌اهمیت‌تر ماجراست و انتشار دوباره آثار در تن‌پوش تازه منجر به بروز اتفاقات خوش دیگر نیز

سه‌شنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۴



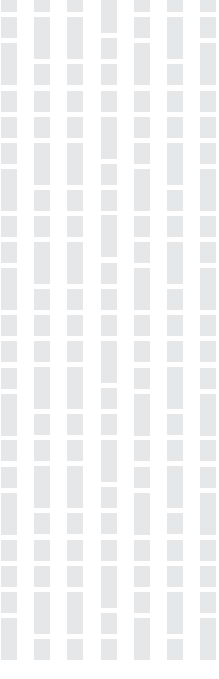
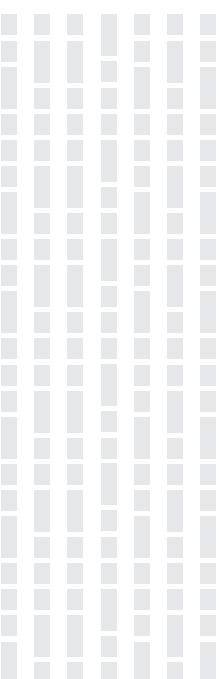
شماره ۴۴۳۲



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE



تعدادی از فیلم‌های مهم تاریخ سینمای ایران در فهرست ترمیم قرار گرفته‌اند

دوپینگ سینمای ایران با مارتین اسکورسیزی

از دوران پیش و پس از انقلاب را به دست جراحان زیردست خود سپرده و تعدادی از آن‌ها را همچون «نفس عمیق» (پرویز شهبازی)، «اون شب که بارون اومد» (کامران شیردل)، «ناخدا خورشید» (ناصر تقوایی)، دیده‌بان (ابراهیم حاتمی‌کیا) و... احیا کرده است، اما این روند در مورد ترمیم تعداد قابل توجهی از تولیدات سینمای بدنه و تجاری رقم نخورده و بخش مهمی از تاریخ سینمای ایران با وجود بهره‌مندی از آرشيو غنی در معرض فراموشی قرار گرفته است. اما چه آثاری در ادامه می‌توانند توسط فیلمخانه ملی ایران، سرمایه‌گذاران و شرکت‌های خصوصی، بنیاد سینمایی فارابی، بنیاد فیلم اسکورسیزی و... جان دوباره بگیرند؟ در ادامه از آن‌ها خواهیم گفت.

می‌شود و طبیعتاً بودجه محدودی دارد. از طرف دیگر دست این نهاد غیرانتفاعی در مواجهه با آثار تهیه‌کنندگان مستقل بسته است و آن‌ها نمی‌توانند بدونغدغه کارشان را در جهت سامان دادن به وضعیت آرشیو سینمای ایران به نقطه مطلوبی برسانند. القبه اینکه وجود بروکراسی مزاحم در کنار مسئله مالکیت فیلم‌ها و همچنین کمبود بودجه نهاد مربوطه شرایطی را به وجود آورده که آثار مهم، ولی بی‌کیفیت کارگردانان ما برای تازه شدن باید منتظر لطف و مهربانی مارتین اسکورسیزی باقی بمانند و الا شاید هیچ وقت نصیبی از پیشرفت علم و تکنولوژی به آن‌ها نرسد! البته نباید این مهم را از نظر دور داشت که فیلمخانه با وجود مشکلات متعددی که سر بر راهش در این زمینه قرار دارد تاکنون چند فیلم با اهمیت

می‌شود. خبر انتشار نسخه ترمیم‌شده و باکیفیت «غریبه و مه» اثر بهرام بیضایی توسط بنیاد فیلم مارتین اسکورسیزی و سینماتک بولونیای ایتالیا نه‌تنها اسباب عیش سینه‌فیل‌ها را فراهم کرد، بلکه باعث شد تا حرف زدن و بازخوانی مجدد در باب این اثر به متن اصلی اخبار سینمایی کشور راه پیدا کند و لزوم کار جدی پژوهشی در حوزه هنر، خاصه سینما را به یادمان بیاورد. اما چرا دامنه این اتفاق میمون و مبارک گسترش پیدا نکرده و تبدیل به یک سنت دیر پا در کشور ما نمی‌شود؟ تولید فیلم در ایران آنقدر دست‌وپاگیر، فرسایشی و جانکاه است که عملاً صحبت در مورد آرشيو و گنجینه تاریخ سینما را به حاشیه می‌کشاند. «فیلمخانه ملی ایران» نیز به‌عنوان متولی مرمت و احیای آثار سینمایی توسط دولت اداره

سرب (مسعود کیمیایی)

مسعود کیمیایی با هر متر و معیاری، حتی اگر از آثار او و مدل فیلمسازی‌اش خوشمان نیاید، جزء کارگردانان مهم تاریخ سینمای ایران محسوب می‌شود که حواس طیف زیادی از مخاطبان را نسبت به خود و آثارش برانگیخته و طبیعی است که بازخوانی مجدد فیلم‌های او در دست‌ورکار منتقدان و تماشاگران جدی قرار بگیرد. پیش از این فیلم‌های «غزل»، «گوزن‌ها» (با همکاری احسان خوشبخت)، «فریاد» و «خط رقم ز» از این کارگردان پُرسابقه ترمیم شده بود ولی اثری که در حال حاضر نیاز به بازسازی آن بسیار احساس می‌شود، «سُرب» است. اما چه احتیاجی به انتشار ورژن جدید این فیلم حس می‌شود؟ «سُرب» در ابتدایکی از متفاوت‌ترین آثار مسعود کیمیایی از منظر مضمون و تم به حساب می‌آید که اگر در زمان ساخته‌شدنش مورد تقدیر قرار می‌گرفت شاید پیشنهادهای جدیدی در مسیر فیلمسازی مسعود کیمیایی قرار می‌گرفت تا او دیگر در دهه نهم زندگی خود

همچنان سودای زنده کردن یاد و خاطره قیصر داش‌اُگل را برخلاف نیازهای زمانه نداشته باشد. از سوی دیگر، مادر برهه حساسی از تاریخ مقاومت در برابر صهیونیست‌ها و غرب فرهنگی به سر می‌بریم و به همین دلیل باید جنبه تبلیغاتی و نمادین فرهنگ خود را تقویت کنیم. در همین راستا تلاش برای ترمیم و انتشار دوباره «سُرب» نه‌تنها جنبه پژوهشی بارزی دارد، بلکه می‌تواند بحث در مورد فرهنگ مقاومت را در قالب گعده‌های سینمایی از نو زنده کند. کیمیایی با «سرب» روی ایده درستی نسبت به قضیه فلسطین انگشت گذاشت و جای درست مواجهه ایرانیان با مظلومیت ملت فلسطین را به مخاطبانش نشان داد؛ به بیان دیگر کیمیایی نمایش داد که می‌توان ضدیتی با یهودیت نداشت و در عین حال دشمن قسم‌خورده صهیونیسم جهانی بود. باری، کیفیتی که اکنون از «سرب» در دسترس عموم قرار دارد به‌گونه‌ای است که ترمیم آن را توجیه می‌کند.

اجازه فعالیت به او، آن طور که خودش می‌خواست را ندادند. از این‌ها گذشته، هفت پرده علاوه بر اینکه فیلم مهمی در کارنامه فرزاد موتمن به حساب می‌آید، سند تصویری‌ای از یک دوران فراموش‌شده در سینمای ایران است که در آن به شکلی محدود به سلايق ديگران هم اهمیت داده می‌شد و هفت پرده یکی از همان‌ها بود. اهمیت ترمیم این اثر را می‌توان در این نکته دید که جوانان و عشاق سینما برای شروع کار خود باید چه فیلمی را چگونه بسازند که در صورت شکست همچنان بتوانند به ادامه حیاتشان در این فضا امیدوار شوند.

هفت پرده (فرزاد موتمن)

فرزاد موتمن را با «شسب‌های روشن» –که چندی قبل نسخه ترمیم شدای از آن پخش شد– می‌شناسند، ولی خودش دوست دارد که او را با «صداها» و «هفت پرده» به یاد بیاورند. در تاریخ سینمای ایران معمولاً فیلم‌های تجربی و در عین حال عجین‌شده با نمونه‌های ژانری چندان از طرف پخش‌کننده‌ها، سینماداران و سرمایه‌گذاران تحمل نمی‌شوند و صاحبانشان برای حضور در صحنه فیلمسازی چاره‌ای جز استفاده از فرمول‌های رایج ساخت‌فیلم در ایران ندارند. فرزاد موتمن هم یکی از همین افراد است. چرخه سینمادارا، پخش‌کننده و سرمایه‌گذار

بدوک (مجید مجیدی)

یکی از نامزد‌های دریافت جایزه «دوربین طلایی» نام برند. مجیدی در این اثر به تعدادی از ساکنان روستایی در سیستان و بلوچستان می‌پرداخت و وارد مسئله قاچاق انسان و دیگر مشکلات و مصائب اجتماعی در روزگار خود شد. فیلمساز مطرح ما در آن ایام مورد آزار قرار گرفت و به سیاه‌نامه‌ای متهم شد، ولی فیلم در ادامه توانست جایگاه نسبتاً خوبی در کارنامه هنری کارگردان «آواز گنجشک‌ها» پیدا کند. بدوک برخلاف باقی فیلم‌های مجید مجیدی، از کیفیت مطلوب و مناسبی برخوردار نیست و لزوم ترمیم و انتشار دوباره آن در روزگار جولان آثار برساخت‌شده اجتماعی بسیار احساس می‌شود.

اگر بخواهیم از سینمای رسمی و شرعی ایران چند اسم بین‌المللی نام ببریم قطعاً یکی از آن اسامی، مجید مجیدی است. مجیدی را به خاطر بازی در آثار محسن مخملباف و ساخت فیلم‌هایی چون «رنگ خدا»، «بچه‌های آسمان» و «محمّد رسول‌الله (ص)» می‌شناسند، ولی کمتر از اولین فیلم بلند سینمایی این کارگردان، یعنی «بدوک» نام می‌برند. او این اثر را در سال ۱۳۷۰ ساخت و گام نخستش در فیلمسازی را محکم برداشت. «بدوک» اگرچه مورد علاقه مسئولان نظام قرار نگرفت ولی حضورش در بخش جانبی جشنواره فیلم کن در سال ۱۳۷۱ موجب شد که از این اثر به‌عنوان

ارتفاع پست (ابراهیم حاتمی‌کیا)

تصویری بالا نیاز چندانی به روتوش دوباره ندارند، اما این مسئله در مورد ارتفاع پست صدق نمی‌کند. این اثر با توجه به سال‌ساخشی از کیفیت قابل قبولی برخوردار نیست و بهتر است فیلمخانه یا هر نهاد دیگری زودتر دست بچباند و کار مرمت فرزند نه‌چندان خلف ابراهیم حاتمی‌کیا را برعهده بگیرد. در واقع، با تماشای بازخوانی مجدد از این فیلم می‌توان بهتر از قبل به اهمیت تاریخی ارتفاع پست پی برد و آن را جدی گرفت. سازنده «آژانس شیشه‌ای» اکنون دیگر از این جنس فیلم‌ها نمی‌سازد و پا در مسیر دیگری گذاشته است ولی شاید رجوع دوباره به دوران نه‌چندان دور کارنامه هنری‌اش در حکم یک بیدارباش به نظر برسد و باعث شود تا با درگرفتن بحث‌های مجدد، حاتمی‌کیا دوباره در آن فضا فیلم بسازد و قدرتش را به رخ دیگران بکشد.

وقتی به کارنامه هنری ابراهیم حاتمی‌کیا رجوع می‌کنیم، در می‌یابیم که آثار او در مقایسه با دیگر فیلمسازان مطرح کشور بیشتر در معرض ترمیم و بازسازی قرار گرفته‌اند و از این حیث وضعیت کارگردان «ج» از باقی افراد بهتر است. اما باز با همه این احوال، جای «ارتفاع پست» در میان کارهای ترمیم‌شده سینمای ایران خالی است. حاتمی‌کیا این اثر را در سال ۱۳۸۰ با کمک اصغر فرهادی در مقام نویسنده ساخت و بسیار مورد توجه جمع کثیری از منتقدان، اصحاب رسانه و مردم عادی قرار گرفت. فیلم البته جزء آثار متفاوت حاتمی‌کیا در دومین دوره فیلمسازی‌اش به حساب می‌آید ولی اهمیت آن دست‌کمی از «دیده‌بان»، «مهاجر»، «بوی پیراهن یوسف» و... نداشت. طی سال‌های اخیر، «دیده‌بان» و «به رنگ ارغوان» مرمت شده‌اند و باقی کارهای او به دلیل کیفیت

بیان روایت‌هایی از جنایات رژیم صهیونیستی و ضرورت حضور فعال هنرمندان در نشان دادن مظلومیت مردم غزه پرداختند.

برگزاری جشنواره «هولوساید» با واکنش‌های مختلفی در سطح جهانی مواجه شده است. رژیم صهیونیستی و حامیان آن به‌شدت از این رویداد انتقاد و آن را محکوم کرده‌اند. در دومین دوره‌ای مسابقه، شخص بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از این مسابقه به سازمان ملل شکایت کرد و خواستار تحریم تمام کاریکاتورریست‌های شرکت‌کننده در این مسابقه شد که در نهایت به تحریم برندگان دوره دوم این مسابقه و برگزاریکنندگان آن منتهی شد. این جشنواره توانسته است توجه رسانه‌ها و سازمان‌های حقوق بشری را به وضعیت بحرانی غزه جلب کند و به‌عنوان یک ابزار مؤثر در نقد سیاست‌های رژیم صهیونیستی شناخته شود. این جشنواره با استفاده از زبان هنر، به‌ویژه کاریکاتور و کارتون، توانسته است پیام‌های انسانی و سیاسی مهمی را به جهانیان منتقل کند. این رویداد نه‌تنها به‌نقد سیاست‌های رژیم صهیونیستی می‌پردازد، بلکه با جلب توجه هنرمندان از سراسر جهان، همبستگی جهانی با مردم فلسطین را تقویت می‌کند. با توجه به استقبال گسترده و تأثیرگذاری این جشنواره، می‌توان آن را به‌عنوان یک الگوی موفق در استفاده از هنر برای انتقال پیام‌های انسانی و سیاسی در سطح جهانی معرفی کرد.

سومین دوره جشنواره هولوساید با استقبال گسترده‌ای از هنرمندان داخلی و بین‌المللی مواجه شد. بیش از ۱۴۵۰ اثر از ۵۴ کشور جهان به دبیرخانه این جشنواره ارسال شد که نشان‌دهنده عمق تأثیرگذاری و اهمیت این رویداد در سطح جهانی است. این مشارکت گسترده، بیانگر همبستگی هنرمندان با مردم فلسطین و اعتراض به جنایات رژیم صهیونیستی است. با هدف تشویق هنرمندان و ارتقای کیفیت آثار، جایزه نقدی برای برگزیدگان در نظر گرفته شده است. در سومین دوره جشنواره، مجموع جایزه نقدی به ۲۶ هزار یورو رسید. این جایز شامل جایزه بزرگ ۵ هزار یورویی برای اثر فاخر، سه جایزه ۳ هزار، ۲ هزار و ۱ هزار یورویی برای نفرات اول تا سوم در هر بخش، و دو جایزه ۵۰۰ یورویی برای آثار منتخب است.

در حاشیه جشنواره «هولوساید» کارگاه‌های آموزشی و نشست‌های تخصصی با حضور هنرمندان و کارشناسان برگزار می‌شود. در سومین دوره، کارگاهی سه‌روزه با حضور بیش از ۱۰۰ هنرمند در دانشگاه قم برگزار شد. در این کارگاه، اساتید برجسته‌ای مانند مسعود نجابتی، مسعود شجاعی طباطبایی، آکساندر فالدین و محمد حسین نیرومند به تدریس و راهنمایی هنرمندان پرداختند. همچنین شخصیت‌هایی از جبهه مقاومت مانند عاصم خازم از لبنان و کمال شرف از یمن به

اضافه شده است. سومین دوره مسابقه که با عنوان «هولوساید» شناخته شد، در سال ۱۴۰۳ برگزار گردید و به موضوع تردید در هولوکاست و نقد نسل‌کشی پرداخت. واژه «هولوساید» ترکیبی از «هولوکاست» و «جنوساید» است و به‌صورت نمادین به نسل‌کشی‌هایی اشاره دارد که در عصر حاضر، به‌ویژه از سوی رژیم صهیونیستی رخ می‌دهد. این دوره از مسابقه در دو بخش کارتون و پوستر طراحی شده بود و سه محور اصلی داشت:

– نمایش نسل‌کشی در غزه توسط رژیم صهیونیستی، شامل کشتار مستقیم مردم و تخریب کامل ساختار اجتماعی و محیط‌زیست.
– افشای سیاست‌های نژادپرستانه‌ای که در قالب نسل‌کشی سیستماتیک علیه مردم فلسطین اعمال می‌شود.
– نقد استانداردهای دوگانه آمریکا و کشورهای غربی که با وجود ادعاهای صلح‌طلبانه، در برابر این جنایات سکوت می‌کنند یا از آن حمایت می‌نمایند.
در بخش کاریکاتور چهره نیز تصویرسازی‌هایی از سه چهره شاخص دولت اسرائیل – بنیامین نتانیا‌هو، یوآف گالانت (وزیر دفاع) و ایتمار بن‌گوریر (وزیر امنیت داخلی) – ارائه شد که با استقبال هنرمندان و بازدیدکنندگان همراه بود.